

دکتر حمید فرزام

اختلاف

جامی باشاه ولی

چند سال پیش که نگارنده بتحقیق در (احوال و آثار و افکار شاه نعمه الله ولی ۷۳۱-۸۳۴ ه. ق) مشغول گردید ضمن نقد علمی در گزافه گوئیها و مطالب ضد و نقیض و دور از حقیقت تذکره نویسان وهمچنین مطالعه در آثار منظوم و مخصوصاً رسائل مشهور فراموش شده عارف مزبور باین نکته پی برد که وی با همه شهرت و معروفیتی که در میان طبقات مختلف مردم دارد و با آنکه اغلب سلاسل تصوف از چند قرن پیش تاکنون بدو منسوبست معهذا چنانکه باید شناخته نشده و جای بسی شگفتی است که در بعضی از تواریخ ادبی نام او از قلم افتاده و اکثر تذکره نویسان هم که شرح احوال او را نوشته اند بر اثر حب و بغض و پاره‌یی تعصبات از طریق اعتدال بدور افتاده و بافراط و تفریط گرائیده اند .

مرحوم رضا قلیخان هدایت در مجمع الفصحاء ضمن شرح احوال شاه ولی در اشاره بدین معنی چنین آورده است : « مولانا عبدالرحمن جامی که مشایخ را در نفحات ذکر کرده وی وشيخ صفی‌الدین اسحق اردبیلی و سید محمد نوربخش قهستانی و جمعی از فضلاى عرفای شیعه را نام نبرده و صاحب آتشکده که شعرا را جمع کرده بنثری مختصر و يك رباعی از سید قناعت کرده

ولهذا شرح حالش چندان اشتهار ندارد اگرچه نامش مشهور است...» الخ (۱) باید دانست که بعضی از مریدان و هواخواهان شاه ولی مانند عبدالعزیز واعظی در اواسط قرن نهم و عبدالرزاق کرمانی در اوایل قرن دهم و مولانا صنع الله نعمة اللهی صاحب سوانح الایام وملا محمد مفید مستوفی بافتی مولف جامع مفیدی در اواخر قرن یازدهم هجری که بنا به بعضی مقتضیات بدیده تقدیس در وی مینگریسته اند شرح احوال او را در قالب الفاظ و عبارات اغراق آمیز با انواع کرامات و خوارق عادات در آمیخته و در بسیاری از موارد بمصدق (حب الشیئی یعنی و یصم) از درک حقیقت حال او باز مانده اند.

از سوی دیگر مخالفان وی نیز با کمال بی انصافی یا مانند جامی بکلی از ذکر احوال و آثار او خودداری کرده یا نظیر مولف تنبیه الغافلین (۲) بیان عقاید افراطی و شطحیات و طامات صوفیانه وی اکتفا نموده و درباره او بطن و تعریض و عیجوائی پرداخته حتی او را تکفیر هم کرده اند.

برخی از تذکر نویسان نیز بر اثر سهل انگاری وعدم تحقیق و تأمل در آثار شاه ولی فقط بنقل قول گذشتگان پرداخته و در تدوین احوال وی دوچار لغزشهایی شده و دیگران حتی بعضی از محققان معاصر را با اشتباه انداخته اند مثلاً بی مهری جامی را نسبت بشاه ولی چنانکه قبلاً از قول مرحوم هدایت ذکر شد مربوط باختلافات مذهبی آندو دانسته اند در صورتیکه بامطالعه دقیق در آثار و احوال شاه ولی منشاء این عدم توجه جامی را نسبت بوی در جای دیگر پیدا میکنیم و ما پیش از آنکه بدین نکته تازه و جالب که علت اصلی اختلاف جامی با شاه ولی است اشاره کنیم بی مناسبت نمیدانیم بذکر اقوال دیگر مرحوم رضا قلیخان که در واقع منشاء این اشتباه شده است بپردازیم.

مولف مزبور در تذکره دیگر خود ریاض العارفین راجع بمذهب شاه ولی چنین نوشته است: «... در تشیع آنجناب کسی را مجال تردید نیست

۱ - مجمع الفصحاء ، هدایت ، بکوشش مظاهر مصفا ، تهران ۱۳۳۹ ، ج ۲ ، بخش ۱ ، ص ۸۷.

۲ - تالیف شیخ علی عرب نهاوندی ، تهران شهریور ۱۳۱۲ ، ص ۱۸ ، ۲۵ ، ۳۵ .

و در بزرگواری وی خاطری را یارای تشکیک نه ...» الخ (۱)
 در نسخه خطی شرح احوال شاه ولی که بوسیله همین مولف (در سال ۱۲۳۸ ه. ق) تالیف شده و متعلق با آقای سلطان القرائی است و در انستیتو ایران و فرانسه بوسیله آقای ژان اوبن (Jean Aubin) در اختیار نگارنده قرار گرفت نیز چنین آمده «... یکی از بزرگان گفته است که چون در ایام حیات جناب سید نورالدین نعمه الله ولی رحمه الله علیه اکثر و اغلب مذاهب و اعتقادات مختلفه داشته اند از دیوان حقیقت بنیان ایشان تفال و سنوالم از عقیدت جناب سید نمودم از کرامت آنجناب همین رباعی که از افکار ابکار ایشان است برآمده که فرموده است :

«خواهی که ز دوزخ برهانی دل و تن اثنی عشری شو و گزین مذهب من دانی سه محمد بود و چار علی با جعفر و موسی و حسین و دوحسن ...»
 صاحب طرائق الحقایق نیز همین مضمون و رباعی را (که بنا با آنچه بعدا بیان خواهد شد الحاقی بنظر میرسد) با مختصر تغییر عبارتی در باب تشیع شاه ولی از مرحوم هدایت اقتباس و نقل کرده است . (۲)

در جای دیگر نسخه خطی مزبور چنین مسطور است «... هیچیک از این کبار (شیخ صفی الدین اردبیلی و شاه ولی و سید محمد نوربخش و غیره) را ملاجی از خامی بسبب تعصب نام نبرده است و اغلب کتاب (نفحات) در احوال مشایخ اهل سنت و از بکان بلخ و بخارا است ... هر که کتاب مزبور را مرور نماید یقینش در تسنن و تعصب مصنف مذکور فزاید خود چه تسنن و تعصب از این برتر که پدر حضرت امیرالمومنین (ع) که ابوطالب عم حضرت نبوی بوده است کافر و مانند بولهب از اهل سقر شمرده چنانکه در مثنوی سلسله الذاهب این اعتقاد خود را نظم داده :

بود بوطالب آن تهی ز طلب مرنبی را عم و علی را آب
 خویش نزدیک بود با ایشان نسبت دین نیافت با خویشان

۱ - ریاض العارفین ، هدایت ، چاپ دوم ، تهران ۱۳۱۶ ، ص ۲۴۲ .

۲ - طرائق الحقایق ، معصومعلی نعمه اللهی ، تهران ۱۳۱۹ قمری ، ج ۳ ، ص ۱۱ .

هیچ سودی نداشت آن نسبت شد مقرر در سقرچوبولهش... «الخ» نکته جالب اینکه علامه فقید میرزا محمدقزوینی طاب‌ثراه در نامه‌ایکه بمناسبت تالیف کتاب (جامی، متضمن تحقیقات در تاریخ احوال و آثار منظوم و منشور خاتم الشعراء نورالدین عبدالرحمن جامی، ۸۱۷-۸۹۸ هجری قمری) به آقای علی اصغر حکمت نوشته‌اند و در آخر آن کتاب درج شده همین مطلب را عینا چنین مرقوم فرموده‌اند «... دانشمند محل گفتگوی ما (جامی) نه فقط خالی از تعصب نبوده بلکه مثل آن میماند که متعصب هم بوده است و قرائن کثیره بر این فقره بدست است: یکی آنکه در کتاب مشهور خود نفحات الانس من حضرات القدس در تراجم احوال صوفیه و عرفا جمیع کسانی را که ادنی انتسابی باین طایفه داشته‌اند... مفصلا و مبسوطا در کتاب مزبور ذکر کرده است... ولی معذک میبینیم که از ذکر مشاهیر مشایخ عرفا و صوفیة شیعه مانند سید نعمه‌الله کرمانی و شیخ آذری طوسی اسفراینی و سید محمد نوربخش و پسرش شاه قاسم نوربخش و شیخ صفی‌الدین اردبیلی و پسرش شیخ صدرالدین اردبیلی و بسیاری دیگر از نظراء ایشان بکلی خودداری کرده... و سپس میبیند که وی در سرتاسر کتب خود از نظم و نثر هر جا موقعی میدیده و بهانه (بی) بدست می‌آورده از طعن و ذم و قدح در حق شیعه و تعبیر از آنها بعبارات مستهجن رافضی و رواقض و رفضه کوتاهی نمیکرده و بعد میبیند که جامی از یکطرف ادعای محبت حضرت امیر و اهل بیت را مینماید و همه جا از آنحضرت ظاهرا باکمال احترام نام میبرد و فضایل او را میشمرد... ولی از طرف دیگر (و این از اعجب عجایب است) میبیند که جامی در حق پدر همین حضرت امیر ابوطالب... بهانه آنکه وی (بعقیده اکثر اهل سنت و جماعت) بحضرت رسول (ص) ایمان نیاورده بوده ابیات شنیع ذیل را ساخته است (سلسله الذهب).

نسبت جان و دل چو باشد سست نسبت آب و گل چه سود درست
بود بو طالب آن تهی ز طلب مرئی را عم و علی را اب ...

بهیچوجه از تعجب خودداری نمیتواند بنماید...» (۱)

چنانکه ملاحظه میشود مرحوم علامه قزوینی نیز پیروی از مرحوم هدایت علت اساسی عدم توجه جامی را بشاه ولی مربوط باختلاف مذهبی آندو دانسته‌اند و حال آنکه علت اصلی بی مهری جامی را نسبت بعارف مزبور چنانکه ذیلا بیان خواهد شد مخصوصا باید مربوط بتباین مشرب تصوف آندو دانست نه اختلافات مذهبی زیرا که شاه ولی بدلائلی که بتفصیل بذکر آن خواهیم پرداخت برخلاف مشهور شیعه نبوده است و لذا باید اصل این اختلاف را در جای دیگر جستجو کرد.

گذشته از اینکه در قرن هشتم و نهم یعنی قبل از ظهور صفویه مذهب تشیع در ایران چندان رواجی نداشته است اصلا شاه ولی مرید و معتقد شیخ عبدالله یافعی (متوفی بسال ۷۶۸ هـ) بوده و مدت هفت سال در خدمت او بسر برده و از برکت ارشاد آن (مرشد کامل مکمل) (۱) که بقول عبدالعزیز واعظی (نقد اجتهاد حنفی و شافعی) (۲) بوده بکمال رسیده است و در آثار خود او را (.... قطب عالم و عارف اسم اعظم و یگانه عالم و سلطان اولیای زمان (۳) و امام همام .. (۴) لقب داده لذا خیلی بعید بنظر میرسد که این مرید صادق در مذهب بامراد خویش موافق نبوده یا لا اقل او را تصدیق ننموده باشد. علاوه بر این، اظهار ارادت بی شائبه شاه ولی بشیخ محیی الدین صاحب فتوحات، یا بقول خود او «حضرت قطب المحققین و امام الموحدین شیخ محی الملة و الحق و الدین...» (۵) که مردود اهل تشیع حتی بعضی از عرفا نیز میباشد، خود مطلبی در خور توجه و تأمل است، چه این امر باتشیع سازگار نتواند بود.

از سوی دیگر سلسله مشایخ و نسبت خرقة شاه ولی بتصریح خود او

۱ - دیوان شاه ولی، چاپ علمی، تهران ۱۳۱۶ شمسی، ص ۴۹۱.

۲ - مجموعه در ترجمه احوال شاه نعمه الله ولی کرمانی، بتصحیح ژان ابن، تهران ۱۳۳۵،

۳ - ایضا دیوان شاه ولی، ص ۳۱۵.

۴ - رساله فی تحقیق معنی الجنات جزو مجموعه خطی رسائل شاه ولی، کتابخانه مرحوم

شمس العرفا، تهران - سدره نورو زخان.

۵ - رساله شرح ابیات فصوص الحکم جزو همان مجموعه خطی رسائل شاه ولی.

بشیر احمد غزالی و حسن بصری میرسد (۱) که محل انکار اهل تشیع اند. غیر از آنچه ذکر شد قرائنی که از آثار منظوم و منثور شاه ولی دال بر تسنن او یافته میشود فراوانست که ذیلاً ببعضی از آنها اشاره میکنیم:

۱- در غزلی درباره چهار یار چنین گفته است:

چهار یار رسولند دوستان خدا بدوستی یکی دوست دارشان هرچار (۲)
۲- در غزل دیگر به مطلع:

نعمت الله هست پیر ولی یادگار محمد است و علی

که در قدیمترین نسخه خطی دیوان وی آمده چنین گفته است:

رافضی نیستیم ولی هستیم مؤمن پاک و خصم معتزلی (۳)

۳- باز در غزل دیگری به مطلع:

ایکه هستی محب آل علی مؤمن کاملی و بی بدلی

که در نسخه چاپ کرمان سنه ۱۳۳۷ هجری قمری مصحح مرحوم سید

ابوالقاسم و فی علیشاه سیرجانی نیز مندرجست چنین گفته:

ره سنی گزین که مذهب ماست ورنه گم گشته بی و در خللی

رافضی کیست دشمن بوبکر خارجی کیست دشمنان علی

هرکه او هر چهار دارد دوست امت پاک مذهب است و ولی

دوستدار صحابه ام بتمام یارسنی و خصم معتزلی .. الخ (۴)

۴- در نسخه نفیس خطی رسائل شاه ولی موجود در کتابخانه خانقاه

مرحوم شمس العرفا که در فاصله سالهای ۱۰۶۶-۱۰۸۷ هـ ق یعنی در عهد

صفویه و دوره قدرت تشیع بدست یکی از مریدان او تحریر یافته در ضمن

رساله سئوال و جواب از قول پیغمبر (ص) این حدیث راجع بابوبکر نقل

گردیده «قال رسول الله صلی الله علیه وآله لو کنت متخذاً خلیلاً لاتخذت ابابکر

خلیلاً»

۱- دیوان شاه ولی ، ص ۴۹۱ - ۴۹۲ .

۲- دیوان شاه ولی ، ص ۲۶۹ .

۳- دیوان شاه ولی ، ص ۴۸۴ .

۴- دیوان شاه ولی ص ۴۸۴ - ۴۸۵ .

۵ - باز در همان نسخه خطی رساله ایست بعنوان (تحقیق مراتب الالهیه) که در ضمن آن از خلفای اربعه و ائمه اهل سنت و جماعت صریحا با احترام یاد شده بدینقرار :

«... واز نبی بر چهار رکن نبوة که ابوبکر و عمرو عثمان و امیر - المؤمنین علی علیه السلام است (کذا) ابوبکر صورت قلبست و عمر صورت عقل و عثمان صورت روح و علی صورت نفس و از ایشان بر چهار امام که ایشان چهار رکند از ارکان الهی و آن مالک است و احمد و حنیفه (کذا) و شافعی الخ (۱)

رساله مزبور که در عهد صفویه و بوسیله یکی از درویشان نعمه الهی تحریر یافته از شواهد متقن تسنن شاه ولیست ، دلایل دیگری نیز موجود است که فعلا برای احتراز از اطناب از ذکر آن خود داری میشود .

بنا بر این مقدمات همانطوریکه بیان شد علت اصلی عدم توجه جامی نسبت بشاه ولی برخلاف عقیده تذکره نویسان و بعضی از محققان معاصر اختلاف مذهبی نبوده بلکه چنانکه ذکر خواهد شد مربوط بامر دیگری است که همانا تباین مشرب تصوف ایشان و اختلافات دیرینه ناشی از آن بوده است و بعضی شواهد تاریخی نیز مؤید صحت آن است .

اغلب تذکره نویسان و مورخان که باحوال شاه ولی اشاره کرده اند مانند عبدالرزاق کرمانی و مولانا صنع الله نعمه الهی و ملا محمد مفید مستوفی بافقی و رضا قلیخان هدایت و معصوم علی نعمه الهی متفقا نوشته اند که شاه ولی را در هنگام مسافرت ترکستان در حدود سال ۷۷۱ ه . با امیر تیمور اتفاق ملاقات افتاده است و علت آنرا سوءظن تیمور بر اثر کثرت مریدان او و سعایت سید کلال تقشبدی از وی نزد تیمور دانسته اند .

ما اینک قول رضا قلیخان هدایت را در اینخصوص که مختصر تراست نقل میکنیم : «... (سید نعمه الله) با امیر تیمور گورکانی معاصر بود در حدود

۱- پاره ای از رسائل شاه نعمت الله ولی بمساعی حاجی میرزا عبدالحسین ذوالریاستین، مطبعه ارمغان ، ۱۳۸۱ شمسی (نسخه چاپی رساله مزبور)

کوهستان اورگنج بواسطه بعضی کرامات نود هزار کس با سید اظهار ارادت کردند امیر سید کلال که مشایخ نقشبندیه بدو انتساب دارند از این معنی بر آشفت خدمت امیر تیمور سعایت کرد که سید را داعیه خروج و سلطنت است اورا از این صفحات باید بیرون کرد که فساد روی ندهد، چون سید مستحضر شد فرمود تا حلوی امیر کلال را نخوریم از خراسان بیرون نرویم و آخرچنان شد که فرموده بود... چون امیر کلال در خدمت امیر (تیمور) سخنان مفسدانه گفت امیر تیمور در یکی از مغارات بدیدن سید رفته بعد از صحبت اظهار کرد که شما از ولایت ما بیرون روید...» (۱)

در دیوان شاه ولی اشارات زیادی که مؤید تقارو کدورت میان او و تیمور است نیز دیده میشود که در اینجا فعلا مجال بحث در آن نیست ولی نکته جالب و مربوط بموضوع این مقاله سعایت امیر سید کلال بخساری نقشبندی از شاه ولی است که از همان آغاز امر میان پیروان دو طریقه نقشبندیه و نعمه‌اللهیه ایجاد رنجش و اختلاف کرده است خاصه که شاه ولی گاه گاه در اشعار خود از یاران ترکستانی با اشتیاق فراوان یاد کرده واز دوری ایشان اظهار تاثر و اندوه نموده و گفته است:

«... ای صبا گر روی بترکستان
دوستان را سلام ما برسان
مابجان پیش آن عزیزانیم
گرچه تن ساکن است در کرمان...» (۲)

ظاهرا همین رنجش و کدورت میان پیروان این دو فرقه کم کم باختلاف بیشتر منجر شده، تا آنجا که طبق مندرجات پاره‌پی از تذکره‌ها بواسطه همین گونه مناقشات، شاه‌ولی بعضی از پیروان سلسله نقشبندیه را بطریقه تصوف خویش دعوت میکرده چنانچه صاحب‌جامع مفیدی در همین باره نوشته «... در آن ایام (هنگام مسافرت شاه ولی بشیراز) درویش فخرالدین نامی که در سلسله نقشبندی داخل بود دست ارادت بدامن خواجه عبدالله امامی اصفهانی که رخصت ارشاد از سلسله نقشبندی داشت زده بود. سالها شده بود که مشکلی

۱- مجمع‌الفضاء هدايت، بکوشش مظاهرمصفا، ج ۲، بخش ۱، تهران ۱۳۳۹ ص ۸۷-۸۸.

۲- دیوان شاه ولی ص ۵۲۷.

در خاطر داشت اتفاقاً بمجلس شاه نعمه‌الله رسیده فی الحال آن مشکل در نظر اول بر او حل گردید کسوت نقشبندی فرود آورده بکسوت شاه درآمد و بعد از یکماه با خواجه عبدالله امامی ملاقات نمود. خواجه عبدالله درویش را گفت.... نزدیک مامیا و متغیر گردیده با خود قرارداد که علی الصباح بمجلس شاه رفته از مباحثه علوم مبحثی در میان می‌آورم تا احوال من باو ظاهر گردد و مسئله‌ای چند اختیار کرده ... بمجلس آنجناب حاضر گردید و در آنوقت حضرت حقایق پناه نکته‌ای از حقایق و معارف بیان میفرمود خواجه عبدالله امامی تحمل نکرد که کلام آنجناب باتمام رسد کلمه‌ای از کلمات علوم آغاز کرد اما هر چند خواست که بیان نماید زبانش بسته گشته نتوانست شرمنده و حیران مانده در مقام معذرت درآمده مریدی آنجناب اختیار نموده بشرف پوشیدن کسوت سرافراز گردید و حضرت ولایت قباب متوجه او شده فرمود شعر:

بی تکلف نعمه‌الله را بجوی وز خیال نقشبندان در گذر ... «الخ (۱)
این شواهد تاریخی و مخصوصاً طعن و تعریضی که در شعر مزبور (۲) برسلسله نقشبندیه شده مؤید شواهد سابق و اختلاف اصلی جامی و شاه ولی تواند بود. البته بقایای این اختلاف و دو دستگی که بطور مسلم در دوره حیات جامی نیز میان پیروان دو فرقه نعمه‌اللهی و نقشبندی که جامی خود از پیشوایان آن بوده است وجود داشته بیتی از هر علت و موجب دیگری اوزا که دارای تعصب هم بوده برآن داشته که در تفخات از ذکر احوال شاه ولی خصوصاً خودداری کند و گرنه باوجود اینکه شاه ولی در آثار خود بحضرت علی علیه السلام و اهل بیت او اظهار کمال اخلاص و ارادت نموده و باخوارج سخت مخالفت ورزیده است از روی قرائن تاریخی و شواهدی که از آثار و افکار وی در دست داریم

۱- جامع مفیدی - تالیف محمد مستوفی بافقی - بکوشش ایرج افشار - ج ۳ - ص ۳۲ -
۳۳ و مجموعه در ترجمه احوال شاه نعمت‌الاولی کرمانی بتصحیح ژان ابن - تهران ۱۳۳۵
ص - ۱۸۱ - ۱۸۲ .

۲- شعر بالامقطع غزلیست که شاه ولی بمطلع :

عشق بازی از سرحان در گذر کفر را بگذار و ایمان در گذر

گفته است . همچنین رجوع شود بدیوان شاه ولی ص ۲۶۵ .

و بنقل پاره‌یی از آنها پرداختیم برخلاف عقیده بعضی از تذکر نویسان سابق و برخی از محققان معاصر بطور قطع و یقین پیرو آئین تشیع نبوده که موجب بغض و عناد جامی نسبت باو شده بلکه همانطوریکه گفتیم علت اصلی بی‌مهری جامی را نسبت باو باید مربوط به تباین مشرب تصوف ایشان و اختلافات دیرینه ناشی از آن دانست .

در پایان نکته یی که نباید ناگفته گذاشت اینست که البته عدم التفات جامی بر اثر تعصب بیجای او نسبت ببعضی از مشایخ عرفای شیعه که مورد بحث دقیق و استادانه مرحوم علامه قزوینی رحمه‌الله علیه و دیگران قرار گرفته و کاملاً هم صحیح بنظر میرسد خود مطلبی دیگر است که نباید با موضوع اختلاف مسلک جامی و شاه ولی در آمیخته و مشتبه گردد .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی